بین الملل

شوک هفت‌برابری به تجارت نفت جهان

بانک آمریکایی گلدمن ساکس اعلام کرد هزینه حمل‌ونقل نفت خام در بازارهای جهانی طی یک سال گذشته تحت تأثیر تنش‌های خاورمیانه حدود هفت برابر شده و از ۳ دلار به بیش از ۲۰ دلار برای هر بشکه رسیده است؛ جهشی که فشار تازه‌ای بر تجارت جهانی انرژی و هزینه تأمین نفت وارد می‌کند.

به گزارش زمان به نقل از فارس، بانک سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس در گزارشی از افزایش کم‌سابقه هزینه حمل‌ونقل دریایی نفت خبر داده و اعلام کرده است که پیامدهای درگیری‌های خاورمیانه، هزینه جابه‌جایی محموله‌های نفت خام را به‌شدت افزایش داده است.بر اساس ارقام اعلام‌شده، متوسط هزینه انتقال هر بشکه نفت خام که سال گذشته حدود ۳ دلار بود، اکنون از ۲۰ دلار عبور کرده است. این تغییر به معنای افزایش بیش از ۵۶۰ درصدی هزینه حمل نفت طی یک سال است. افزایش هزینه حمل‌ونقل نفت از آن جهت اهمیت دارد که قیمت نهایی نفت وارداتی تنها به بهای خرید نفت خام محدود نمی‌شود و هزینه اجاره نفتکش، بیمه، سوخت کشتی و سایر خدمات حمل دریایی نیز در آن نقش دارند. در شرایط تشدید ناآطمینانی‌های امنیتی، افزایش حق بیمه محموله‌ها، طولانی‌تر شدن مسیرهای حمل و محدودیت دسترسی به نفتکش‌ها می‌تواند هزینه تجارت نفت را افزایش دهد.جهش هزینه حمل نفت همچنین می‌تواند فشار مضاعفی بر کشورهای واردکننده انرژی وارد کند؛ زیرا این کشورها علاوه بر نوسانات قیمت جهانی نفت، با افزایش هزینه انتقال محموله‌ها نیز مواجه می‌شوند.تداوم چنین شرایطی ممکن است به افزایش هزینه پالایش و توزیع فرآورده‌های نفتی منجر شود و از مسیر قیمت سوخت و حمل‌ونقل، فشار تورمی بیشتری بر اقتصاد کشورهای مصرف‌کننده انرژی وارد کند. ارقام منتشرشده از سوی گلدمن ساکس نشان می‌دهد پیامدهای تنش‌های خاورمیانه تنها به تغییر قیمت نفت خام محدود نمانده و هزینه انتقال انرژی در زنجیره تجارت جهانی نیز به یکی از عوامل مهم فشار بر بازار تبدیل شده است.

عراقچی: امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه تامین شود

وزیر امور خارجه گفت: امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه تامین شود. ایران برای شکل دهی به این آماده است و هیچ راهی جز این وجود ندارد.

به گزارش زمان، سید عباس عراقچی در آیین گرامیداشت شهید خرازی اظهار داشت: همانطور که کتابخانه را بازسازی کردم انشالله ایران را هم به همین شکل بازسازی خواهیم کرد. وی ادامه داد: در وصف شهید خرازی صحبتها زیاد است و من از یک خصوصیت ایشان صحبت میکنم، خصوصیت بارز ایشان عقلانیت انقلابی بود. وی افزود: آقای دکتر خرازی مرد گفتگو و مرد دیپلماسی بود. در کنار این خصوصیت، روحیه انقلابی او از دیگر خصایص اخلاقی او بود و ایشان از صمیم قلب به آرمانهای انقلاب معتقد بود. وزیر امور خارجه گفت: دیپلمات انقلابی عبارت برازنده برای شهید خرازی بود.حتی بعد از دوران وزارت در سمت مشاور مقام معظم رهبری باقی ماند. شورای راهبردی که بازوی مشورتی برای رهبرانقلاب بود را مدیریت میکرد. وزیر امور خارجه با بیان اینکه آخرین بار من شهید خرازی را در نشست مطالعاتی ایران و کشورهای عربی در دوحه دیدم، افزود: ایشان در آن جلسه نکات تاریخی از سیاست خارجه ما بیان فرمودند. ایشان گفتند «شکوفایی یک منطقه بیش از هر چیز مستلزم تعهد کشورهای آن به صلح است. امنیت جمعی باید بدون دخالت خارجی و از درون منطقه شکل بگیرد. از نظر ما همسایگان رقیب نیستند و ایران آماده گفتگوهای دوجانبه و چندجانبه برای کاهش سوءتفاهمات است. وزیر امور خارجه بیان کرد: یکسال بعد از این سخنان و بعد از ۲ جنگ بنده عرض می‌کنم سیاست ما همین سیاست است و تغییر نکرده است. ما همچنان معتقدیم که منطقه ما باید برخوردار از صلح درون‌زا و بدون دخالت خارجی باشد. جنگ‌های یک سال اخیر یک نقطه عطف در تاریخ منطقه است و همه ساختارهای موجود را به هم ریخته است. این واقعیت است و هیچ چیزی مثل گذشته نخواهد بود. عراقچی تصریح کرد: ساختاری که متکی به دخالت خارجی بود اکنون فرو ریخته و پایگاه‌های خارجی هیچ‌وقت صلح و امنیت نیاورد، بلکه برعکس دلیل ناامنی آنان همین پایگاه‌ها بود. وجود این پایگاه باعث امنیت نشد و این تفکری است که اکنون درباره‌اش صحبت می‌شود. وی ادامه داد: تنها عامل جنگ طلب در منطقه ما که همواره به دنبال جنگ و جنگ افروزی است، رژیم صهیونیستی است. اینها درس‌هایی است که از دو جنگ گرفته شده است و منطقه به دنبال بازنگری در نگاه خودش است. از حرکتی که دنبال امنیت درون‌زا باشد استقبال می‌کنیم. کشورهایی که به دنبال تامین امنیت خودشان بین خودشان هستند حرکت درستی است. منطقه ما باید به سمتی حرکت کند که حضور نیروهای خارجی به صفر برسد. این نیروها برای امنیت اسرائیل به منطقه آمده‌اند و تداوم حضور آنان چیزی جز ناامنی ندارد.

پزشکیان در جلسه شورای‌عالی سلامت و امنیت غذایی تأکید کرد:

باید به بی‌عدالتی در آموزش و سلامت پایان دهیم

رئیس‌جمهوری با تأکید بر ضرورت همکاری استانداران برای تحقق اهداف دولت در حوزه آموزش و سلامت گفت: تلاش همه ما این است هیچ خطری مردم ایران را تهدید نکند در این مسیر به دنبال امر و نهی و دستور نیستیم، هدف ما جلب همراهی و همکاری جمعی همه دستگاه‌ها و مشارکت خود مردم است.

به گزارش زمان، مسعود پزشکیان در بیست‌ویکمین جلسه شورای‌عالی سلامت و امنیت غذایی با تأکید بر اهمیت آموزش و سلامت برای آینده ایران، اظهار کرد: آموزش درست دانش‌آموزان و فرزندان و تربیت آنان برای ساخت آینده کشور با ویژگی‌هایی همچون توانمندی، پایبندی، صداقت و خلاقیت، از اولویت‌های مهم این دولت است.پزشکیان با تأکید بر اینکه همه تلاش خود را برای توسعه فضاهای آموزشی و بهبود شیوه آموزش و تربیت فرزندان انجام می‌دهیم، گفت: تقریباً به صورت روزانه موضوع آموزش و تجهیز مدارس در دولت پیگیری می‌شود. تربیت درست فرزندان کشور را وظیفه خود می‌دانیم، زیرا معتقدیم اگر کودکان و دانش‌آموزان خود را درست تربیت کنیم، دیگر شاهد مشکلاتی که امروز در کشور با آن مواجه هستیم، نخواهیم بود.رئیس‌جمهوری بر اهمیت موضوع سلامت مردم و جامعه تأکید و اظهار کرد: رسیدگی به سلامت مردم وظیفه مهم دیگر دولت است و این موضوع ضمن ارتباط با دستورات دینی و اعتقادی با نگاه عادلانه به همه مردم، صرف‌نظر از هر قوم و نژادی در دستور کار دولت است.

وی تصریح کرد: تلاش همه ما این است هیچ خطری مردم ایران را تهدید نکند در این مسیر به دنبال امر و نهی و دستور نیستیم، هدف ما جلب همراهی و همکاری جمعی همه دستگاه‌ها و مشارکت خود مردم است.

باید به بی‌عدالتی در آموزش و سلامت پایان دهیم

رئیس‌جمهوری با تأکید بر ضرورت همکاری، استانداران برای موفقیت برنامه‌ها و تحقق اهداف دولت در حوزه‌های آموزش و سلامت، گفت: باید با تلاش خود به بی‌عدالتی‌ها در این دو حوزه مهم پایان دهیم. مردم باید بدانند که دلمان می‌خواهد و تلاش می‌کنیم، خطری آنان را تهدید نکند و دولت و مدیران کشور این موضوع را دستور کار اصلی و وظیفه خود می‌دانند.

پزشکیان با بیان اینکه نباید در طرح‌ها و برنامه‌های خود سود موقت را به منافع دائمی کشور و آینده‌نگر ترجیح دهیم، گفت: رسانه‌ها و صداوسیما باید به موضوع سلامت جسمی و روانی مردم اهمیت دهند و در آگاهسازی مردم در مسیر تأمین سلامت و بهداشت فردی و عمومی، همکاری کنند. وی با اشاره به اسناد ملی تصویب‌شده در جلسه شورای‌عالی سلامت و امنیت غذایی کشور با هدف تأمین سلامت جامعه، گفت: در جزئیات اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها استفاده از فناوری‌های نوین و دیجیتال، همچون هوش مصنوعی بسیار کمک‌کننده خواهد بود. هدف نهایی ما باید سلامت فرزندان و جامعه باشد.

تنش‌های ایجادشده در دی‌ماه بیشتر ناشی از آسیب‌های اجتماعی بود

پزشکیان با بیان اینکه آسیب‌ها و مخاطرات اجتماعی، سلامت جامعه را تهدید می‌کند و مشکلات زیادی را به همراه خواهد داشت، اظهار کرد: تنش‌های ایجاد شده در دی‌ماه بیشتر ناشی از آسیب‌های اجتماعی بود. ما باید مشکلات و نیازهای مردم و درد جوانان را ببینیم و برای رفع آن چاره‌اندیشی کنیم. وظیفه اصلی همه ما کمک به حل مشکلات جامعه است.رئیس‌جمهوری تأکید کرد: اگر مردم به ما اعتماد کنند و بدانند می‌خواهیم به آنان کمک و مشکلاتشان را حل کنیم، حتماً با ما همراهی خواهند کرد. برنامه‌های تنظیم‌شده در این مسیر باید طوری طراحی شود که وظایف دستگاه‌ها کاملاً مشخص باشد و با استفاده از ظرفیت همه استان‌ها و مدیران استانی برنامه‌ها را در سراسر کشور اجرا کنیم.

وی تصریح کرد: جلب مشارکت مردم در طرح‌های محله‌محور نقش بسیار مهمی در موفقیت برنامه‌های ما خواهد داشت و مسئولان نیز باید پاسخگوی مسئولیت خود باشند. همه ما صرف‌نظر از هر سلیقه و اعتقادی باید به دنبال این باشیم که مردم کشور از نظر روحی و جسمی، سالم زندگی کنند و فرزندان ما با آموزش و تربیت درست بتوانند آینده کشور را تضمین کنند.

پیش از سخنان رئیس‌جمهوری، محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، هدف طرح‌ها و برنامه‌های این وزارتخانه را پیشگیری «سلامت‌محور» به‌جای «درمان‌محور» عنوان کرد و گفت: همکاری و همراهی همه دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها و بویژه استانداران در استان‌های کشور برای اجرای دقیق و موفق برنامه‌ها و مصوبات شورای‌عالی سلامت با هدف تأمین و تضمین سلامت مردم و جامعه ضروری است.

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، اظهار کرد: هدف عمده ما این است با همکاری همه دستگاه‌ها بتوانیم برنامه‌ها و آموزش‌های مرتبط با سلامت را در جامعه به مردم ارایه دهیم، زیرا معتقدیم سلامت جامعه باعث تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود.

پنج سند ملی راهبردی در سلامت و بهداشت تصویب شد

در بیست و یکمین جلسه شورای‌عالی سلامت و امنیت غذایی کشور به ریاست رئیس‌جمهوری پنج سند ملی راهبردی در حوزه نظام سلامت و بهداشت جامعه به تصویب رسید.سند ملی پیشگیری و کنترل بیماری‌های غیرواگیر، سند راهبرد ملی بهبود کیفیت آب آشامیدنی در دوره ۵ ساله ۱۴۰۵ الی ۱۴۱۰، سند راهبرد ملی سلامت و تغییر اقلیم، سند ملی تکامل دوران ابتدای کودکی و سند جامع مدیریت خطر حوادث و سوانح در نظام سلامت به تصویب اعضای شورا رسید.

یکبار دیگر جدال بر سر NPT؛ خروج یا ماندن؟

بازگشت بحث خروج یا ماندن در NPT به فضای سیاسی کشور را می‌توان فرصتی برای یک گفت‌وگوی دقیق‌تر درباره آینده پرونده هسته‌ای ایران دانست؛ گفت‌وگویی که در آن نه هزینه‌های خروج نادیده گرفته شود و نه تجربه فشارها و حملات گذشته. تصمیمی با چنین ابعاد راهبردی، بیش از هر چیز نیازمند سنجش همزمان قدرت بازدارندگی، ظرفیت دیپلماتیک، هزینه‌های اقتصادی و واکنش احتمالی بازیگران خارجی است. پرسش اصلی نیز همین است: کدام مسیر می‌تواند بیشترین امکان را برای حفظ منافع ملی ایران در شرایط جدید فراهم کند، بدون آنکه کشور را ناخواسته وارد چرخه‌ای از فشار و تنش تازه کند؟

به گزارش زمان به نقل از تورنیوز، اعلام نظر برخی محافل سیاسی درباره ادامه حضور ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، بار دیگر این موضوع را به سطح رسانه‌ها آورده و بحثی قدیمی اما اکنون بسیار حساس را احیا کرده است: آیا ایران در شرایط جدید امنیتی و پس از تجربه حملات نظامی اخیر، همچنان باید در چارچوب NPT باقی بماند یا خروج از این پیمان می‌تواند بخشی از راهبرد جدید بازدارندگی کشور باشد؟ اهمیت این پرسش فقط به یک پیمان بین‌المللی محدود نیست. تصمیم درباره NPT به‌طور مستقیم با سه مسئله به هم پیوسته ارتباط دارد: امنیت تأسیسات و دانش هسته‌ای، میزان آزادی عمل ایران در توسعه برنامه هسته‌ای و ظرفیت دیپلماسی کشور برای مدیریت فشارهای خارجی. از همین رو، موافقان و مخالفان خروج، هر یک از زاویه‌ای متفاوت به یک مسئله واحد نگاه می‌کنند: چگونه می‌توان امنیت و منافع ملی ایران را در شرایط افزایش فشارهای خارجی تأمین کرد؟

استدلال اصلی موافقان خروج از NPT بر تجربه سال‌های گذشته استوار است. از این منظر، ایران در حالی بخش قابل توجهی از فعالیت‌های هسته‌ای خود را در چارچوب تعهدات بین‌المللی و تحت نظارت قرار داده که این سازوکارها نتوانسته‌اند مانع فشارهای سیاسی، تحریم‌ها و حتی حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای کشور شوند. در این نگاه، میان تعهدات ایران و میزان برخورداری آن از حمایت‌های عملی نظام بین‌المللی تناسب کافی وجود نداشته است.

منتقدان عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز بر همین نقطه دست می‌گذارند. از دیدگاه آنان، اگر عضویت در NPT و همکاری‌های نظارتی نتوانسته امنیت تأسیسات هسته‌ای و حقوق اعضا را تضمین کند، ادامه این وضعیت نیازمند بازنگری است. حامیان خروج معتقدند کنار گذاشتن محدودیت‌های ناشی از پیمان می‌تواند بخشی از محاسبات امنیتی طرف‌های مقابل را تغییر دهد و به ایران امکان دهد رابطه خود با ساختارهای بین‌المللی را بر مبنای جدیدی تعریف کند.

در این رویکرد، خروج از NPT لزوماً به معنای حرکت به سوی ساخت سلاح هسته‌ای تلقی نمی‌شود؛ بلکه به‌عنوان اقدامی برای افزایش اهرم‌های چانه‌زنی و بازتعریف بازدارندگی مطرح می‌شود. استناد به ماده ۱۰ پیمان نیز از همین منظر اهمیت پیدا می‌کند. این ماده حق خروج را در شرایطی که رویدادهای فوق‌العاده مرتبط با موضوع پیمان، منافع عالی یک کشور را به خطر اندازد، به رسمیت می‌شناسد؛ البته با الزام به اعلام قبلی و ارائه دلایل خروج.

اما در برابر این استدلال، مخالفان خروج یک پرسش اساسی مطرح می‌کنند: آیا خروج از NPT الزاماً امنیت بیشتری برای ایران ایجاد خواهد کرد؟ عضویت در پیمان تضمین مطلقی برای جلوگیری از جنگ یا فشار خارجی نیست، اما خروج نیز چنین تضمینی فراهم نمی‌کند. حتی ممکن است خروج، نگرانی‌های موجود درباره آینده برنامه هسته‌ای ایران را افزایش داده و زمینه را برای فشارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی تازه فراهم کند.

از این منظر، یکی از مهم‌ترین مزایای ماندن در NPT، حفظ امکان استناد ایران به حقوق هسته‌ای خود در چارچوب یک پیمان شناخته‌شده بین‌المللی است. ایران به‌عنوان عضو پیمان، همچنان می‌تواند بر حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تأکید کند و اختلافات خود با غرب را در چارچوبی حقوقی و دیپلماتیک دنبال کند. مخالفان خروج معتقدند کنار گذاشتن این چارچوب ممکن است فضای مانور دیپلماتیک ایران را محدودتر کند و دست طرف‌های مقابل را برای ایجاد اجماع سیاسی علیه تهران بازتر بگذارد.

در عین حال، یک نکته مهم نباید در این بحث نادیده گرفته شود: انتقاد از عملکرد آژانس با نتیجه‌گیری درباره ضرورت خروج از NPT دو مسئله متفاوت است. ممکن است عملکرد یک نهاد بین‌المللی ناکافی یا محل انتقاد باشد، اما این امر به‌خودی‌خود ثابت نمی‌کند که خروج از پیمان بهترین ابزار برای افزایش امنیت است. برای رسیدن به چنین نتیجه‌ای باید پیامدهای حقوقی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی خروج نیز به همان اندازه بررسی شود.

همچنین خروج از NPT با پایان همه تعهدات ایران در قبال آژانس یکسان نیست. وضعیت حقوقی موافقت‌نامه پادمان، تعهدات پیشین و سایر ترتیبات مرتبط، موضوعاتی مستقل هستند که باید جداگانه بررسی شوند. بنابراین، تصمیم به خروج یک نقطه پایان ساده نیست؛ بلکه می‌تواند آغاز مجموعه‌ای از تصمیم‌ها و واکنش‌های متقابل باشد. مسئله اصلی در نهایت به مفهوم «بازدارندگی» بازمی‌گردد. موافقان خروج بر این باورند که ادامه حضور در پیمانی که نتوانسته از کشور در برابر تهدیدهای امنیتی محافظت کند، ممکن است محدودکننده باشد و خروج می‌تواند محاسبات طرف مقابل را تغییر دهد. مخالفان اما هشدار می‌دهند که بازدارندگی تنها با افزایش هزینه‌های طرف مقابل شکل نمی‌گیرد؛ بلکه باید دید یک تصمیم چه هزینه‌های جدیدی برای خود ایران ایجاد می‌کند و آیا می‌تواند احتمال درگیری را کاهش دهد یا برعکس، آن را افزایش خواهد داد. از این منظر، بحث NPT نباید به دوگانه ساده «تسلیم یا مقاومت» تقلیل پیدا کند. ماندن در پیمان نیز می‌تواند مستلزم بازنگری در شیوه همکاری با آژانس، افزایش حفاظت از اطلاعات و تأسیسات حساس و استفاده فعال‌تر از ظرفیت‌های حقوقی و دیپلماتیک باشد. خروج نیز اگر به‌عنوان یک گزینه مطرح شود، نیازمند توضیح دقیق درباره مرحله پس از خروج، واکنش احتمالی قدرت‌های بزرگ، آثار اقتصادی و نحوه مدیریت پیامدهای آن است.

اکنون مسئله ایران فقط انتخاب میان «ماندن» و «خروج» نیست؛ مسئله اصلی طراحی راهبردی است که بتواند میان بازدارندگی، امنیت، حقوق هسته‌ای و امکان دیپلماسی تعادل برقرار کند. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که هیچ‌یک از عضویت در یک پیمان یا خروج از آن، به‌تنهایی تضمین‌کننده امنیت ملی نیست. آنچه اهمیت دارد، مجموعه سیاست‌هایی است که پس از هر تصمیم شکل می‌گیرد.

به همین دلیل، بازگشت بحث NPT به فضای سیاسی کشور را می‌توان فرصتی برای یک گفت‌وگوی دقیق‌تر درباره آینده پرونده هسته‌ای ایران دانست؛ گفت‌وگویی که در آن نه هزینه‌های خروج نادیده گرفته شود و نه تجربه فشارها و حملات گذشته. تصمیمی با چنین ابعاد راهبردی، بیش از هر چیز نیازمند سنجش همزمان قدرت بازدارندگی، ظرفیت دیپلماتیک، هزینه‌های اقتصادی و واکنش احتمالی بازیگران خارجی است. پرسش اصلی نیز همین است: کدام مسیر می‌تواند بیشترین امکان را برای حفظ منافع ملی ایران در شرایط جدید فراهم کند، بدون آنکه کشور را ناخواسته وارد چرخه‌ای از فشار و تنش تازه کند؟

یادداشت

جهان در آستانه تحول

محمدعلی مهتدی

تبدیل اعتراضات اجتماعی به اغتشاش و تخریب در فرانسه و بازتاب آن در دیگر کشورهای اروپایی، پرسش‌ها و تحلیل‌های گوناگونی را درباره ماهیت این تحولات و پیامدهای احتمالی آن برانگیخته است. ابعاد تخریب و غارت در این ناآرامی‌ها دست‌کم در مقایسه با اعتراضات پیشین، ازجمله جنبش جلیقه‌زردها، توجه بسیاری از ناظران را به خود جلب کرده است. اعتراضاتی که در آغاز با مطالباتی همچون مشکلات مدارس و کمبود معلم مطرح شد به‌تدریج ابعادی گسترده‌تر یافت و صحنه‌هایی از تخریب و غارت فروشگاه‌ها را رقم زد. همین تحول، برخی تحلیلگران را به این نتیجه رسانده که آنچه در فرانسه رخ می‌دهد، ممکن است فراتر از یک اعتراض صنفی یا اجتماعی باشد و ریشه در خشم انباشته‌شده جوامع از بی‌عدالتی، نابرابری و شکاف فزاینده طبقاتی داشته باشد؛ خشم و نارضایتی که اکنون در بخش‌هایی از جهان به شکل‌های گوناگون بروز می‌کند. این تحلیل بدون توجه به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی تحولات دو دهه اخیر قابل درک نیست. در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ خیزش‌های مردمی در تونس، مصر، لیبی، یمن و شماری دیگر از کشورهای عربی، نظم سیاسی حاکم بر منطقه را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرد. این خیزش‌ها که با خودسوزی یک شهروند تونسی آغاز شد به‌سرعت به انفجار نارضایتی‌های انباشته‌شده از استبداد، فساد و بی‌عدالتی انجامید. اگرچه سرنوشت این حرکت‌ها در کشورهای مختلف یکسان نبود و بسیاری از آن‌ها در نهایت به اهداف اولیه خود نرسیدند، اما نشان دادند که انباشت نارضایتی در زیر پوست جوامع می‌تواند در زمانی کوتاه به حرکتی فراگیر تبدیل شود. این موج اعتراضی به کشورهای غربی نیز رسید. جنبش «۹۹ درصد در برابر یک درصد» در وال‌استریت آمریکا، اعتراض به تمرکز ثروت و قدرت اقتصادی در دست اقلیتی کوچک بود. سال‌ها بعد گسترش کشتار گسترده مردم غزه و جنگ ویرانگر رژیم صهیونیستی علیه این باریکه، موجی از اعتراضات در دانشگاه‌ها و شهرهای بزرگ جهان برانگیخت و حمایت دولت آمریکا از این جنگ را نیز به موضوع انتقادهای گسترده تبدیل کرد. از این منظر، اعتراضات کنونی را می‌توان در امتداد روندی وسیع‌تر بررسی کرد؛ روندی که در آن، نارضایتی از ساختارهای سیاسی و اقتصادی موجود، از یک منطقه به منطقه دیگر سرایت می‌کند و مشروعیت نظم حاکم را زیر سؤال می‌برد. در برابر این دیدگاه، گروه دیگری از تحلیلگران معتقدند نباید از اعتراضات اجتماعی لزوماً نتیجه‌ای تاریخی و بنیادین انتظار داشت. از نظر آنان ساختارهای قدرت در جهان از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای و امنیتی نیرومندی برخوردارند و می‌توانند موج‌های اعتراضی را مهار کنند. آنان به سرنوشت خیزش‌های موسوم به بهار عربی، و نیز ناتوانی اعتراضات گسترده علیه جنگ غزه در تغییر فوری سیاست‌های دولت‌های غربی اشاره می‌کنند و بر این باورند که ناآرامی‌های فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی نیز سرانجام فروکش خواهد کرد، بی‌آنکه تغییر اساسی در معادلات قدرت پدید آید. اما حتی اگر این اعتراضات در کوتاه‌مدت مهار شوند، آیا می‌توان نتیجه گرفت که علل و زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها نیز از میان رفته است؟ تجربه تاریخی نشان می‌دهد سرکوب یا پایان یافتن یک موج اعتراضی الزاماً به معنای حل بحران‌های اجتماعی و سیاسی نیست. ممکن است اعتراضات فروکش کنند، اما نارضایتی‌ها در لایه‌های زیرین جامعه باقی بمانند و در فرصتی دیگر با شکلی متفاوت و ابعادی گسترده‌تر سر برآورند. در این میان، مسئله مهم دیگری نیز مطرح است: چه کسی اعتراضات را هدایت می‌کند و چگونه ممکن است یک حرکت مطالبه‌گرانه به خشونت، تخریب و غارت کشیده شود؟ مقام‌های فرانسوی از بازداشت شمار زیادی افراد در جریان ناآرامی‌ها خبر داده‌اند، اما شناسایی عاملان اصلی و روشن شدن چگونگی گسترش خشونت، مسئله‌ای جداگانه است. در جریان خیزش مصر در سال ۲۰۱۱ نیز تلاش برای شناسایی رهبران و سازمان‌دهندگان اصلی با دشواری روبه‌رو شد. در چنین حرکت‌هایی، گاه با پدیده‌ای مواجهیم که جامعه‌شناسان از آن با عنوان «رهبری جمعی» (Collective Leadership) یاد می‌کنند؛ وضعیتی که در آن، اعتراضات بدون وجود یک فرماندهی واحد و متمرکز گسترش می‌یابد و از شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات غیررسمی و انگیزه‌های مشترک نیرو می‌گیرد. با این حال، وجود رهبری جمعی در یک جنبش اعتراضی، احتمال بهره‌برداری سازمان‌یافته از آن را منتفی نمی‌کند. ممکن است یک اعتراض خودجوش باشد، اما در ادامه گروه‌ها یا بازیگران مختلف بکوشند مسیر آن را به سود اهداف خود تغییر دهند. از همین رو باید میان منشأ نارضایتی‌های اجتماعی و عواملی که ممکن است به تشدید خشونت یا انحراف مطالبات منجر شوند، تمایز قائل شد. در همین چارچوب، اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا و برخی رسانه‌های نزدیک به رژیم صهیونیستی درباره نقش مهاجران مسلمان در ناآرامی‌های فرانسه، اهمیت ویژه‌ای دارد. نسبت دادن چنین تحولات پیچیده‌ای به مسلمانان، اسلام یا دخالت خارجی بدون ارائه شواهد معتبر، بیش از آنکه پاسخی به مسئله باشد، می‌تواند به ابزاری برای فرافکنی و انحراف افکار عمومی از علل اصلی بحران تبدیل شود. پرسش این است که چرا به جای بررسی نابرابری‌های اجتماعی، بحران اعتماد عمومی و عملکرد ساختارهای سیاسی و اقتصادی، انگشت اتهام به سوی یک گروه دینی یا ملی نشانه می‌رود؟ از سوی دیگر تجربه فعالیت دستگاه‌های اطلاعاتی خارجی در کشورهای مختلف نشان داده که بهره‌برداری از شکاف‌های اجتماعی و سیاسی، تحریک اختلافات و تشدید بی‌ثباتی می‌تواند بخشی از عملیات پنهان باشد. در تحلیل عملکرد دستگاه اطلاعات خارجی رژیم صهیونیستی(موساد) نیز نمی‌توان احتمال تلاش برای نفوذ در اعتراضات و بهره‌برداری از آن‌ها را به‌کلی نادیده گرفت. در برخی الگوهای شناخته‌شده عملیات بی‌ثبات‌سازی، ممکن است خشونت و تخریب به گونه‌ای تشدید شود که مطالبات اولیه به حاشیه برود، برخورد امنیتی گسترش یابد و افکار عمومی به جای توجه به ریشه‌های اعتراض، درگیر تقابل سیاسی و امنیتی شود. آیا آنچه در فرانسه رخ داده است نیز می‌تواند با چنین سناریویی ارتباط داشته باشد؟ در شرایطی که تقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی با ایران و نیروهای مقاومت در منطقه ادامه دارد و جبهه‌های لبنان، فلسطین و یمن همچنان در کانون این رویارویی قرار دارند احتمال تلاش برخی بازیگران برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی غرب و بدنام کردن مخالفان خود را نمی‌توان از پیش منتفی دانست. در نهایت، مسئله اصلی فراتر از سرنوشت یک موج اعتراضی در فرانسه است. جهان با بحران اعتماد به نهادهای سیاسی، افزایش شکاف طبقاتی، تمرکز ثروت و قدرت و ناتوانی ساختارهای موجود در پاسخ‌گویی به مطالبات بخش‌های گسترده‌ای از مردم روبه‌روست. این بحران‌ها با پایان یافتن یک تظاهرات یا بازداشت چندصد یا چندهزار نفر از میان نمی‌روند. ممکن است گردانندگان نظم کنونی جهان بتوانند اعتراضات را برای مدتی مهار کنند، اما مهار یک جنبش با حل علل شکل‌گیری آن تفاوت دارد. آنچه در تونس و مصر، وال‌استریت، اعتراضات جهانی علیه جنگ غزه و اکنون در اروپا دیده‌ایم، هر یک از شکلی از نارضایتی‌های عمیق در جوامع انسانی حکایت دارد. این روند لزوماً به تحولی فوری و یکپارچه منتهی نخواهد شد، اما نشانه‌هایی از فرسایش نظم موجود را آشکار می‌کند. جهان در آستانه تحول قرار دارد؛ تحولی که زمان، شکل و دامنه آن هنوز روشن نیست، اما بی‌عدالتی و نابرابری حاکم بر ساختارهای جهانی، ادامه وضع موجود را هر روز دشوارتر می‌سازد. اگر این تحولات در نهایت به سود مردم و به زیان ساختارهای ظالمانه قدرت تمام شود، نه صرفاً به دلیل یک شورش یا یک جنبش، بلکه حاصل انباشت مطالباتی خواهد بود که دیگر نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۱۰۰۱۲۰۲۸۳۷۸ مورخ ۱۴۰۵/۵/۱۴ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی رقیه علیخانی بنکسر فرزند مسلم به شماره ملی ۴۲۹۱۱۴۹۳۶۴ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۰۰ متر مربع از مالکیت یعقوب ساغی نسبت به پلاک ۱۲۴۷ فرعی از ۱۲۷ اصلی برابر تقسیم‌نامه شماره ۶۶۶۶۱ مورخ ۱۳۵۵/۱۰/۱۸ دفتر خانه ۴۲ تهران و سند صلح ۳۷۱۳۴ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۹ دفتر خانه ۹ شهر ری واقع در کردان حوزه ثبتی ساوجبلاغ استان البرز تایید و رای هیئت صادر گردیده لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه ۲۳۱۰۹۶۶

بشیر تکیه وزاده - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساوجبلاغ
از طرف سعید صبرعلیلو
نوبت اول ۱۴۰۵/۸/۴ نوبت دوم ۱۴۰۵/۸/۱۹